

الزامات شکلی در انشاء رای داوری

محمدرضا عطایی*

چکیده: داوری یکی از شیوه‌های حل اختلاف غیر قضایی محسوب می‌شود که علاوه بر سابقه تاریخی که دارد، به دلیل شان شبه‌قضایی، نسبت به دیگر روش‌های حل اختلاف برتری دارد. آنچه سبب تمایز اصلی داوری از دیگر روش‌های حل اختلاف غیرقضایی می‌شود را می‌توان صدور رای قطعی و لازم‌الاجرا توسط داور دانست. هدف نهایی داوری نیز صدور رای داوری دانسته شده که علاوه بر فصل اختلاف، تکلیف طرفین اختلاف را مشخص کرده و هیچ رابطه حقوقی جز آنچه در رای داوری انشاء می‌شود را بین متداعیین باقی نمی‌گذارد. با توجه به یک‌مرحله و استیناف‌ناپذیری رای داوری، لازم است توجه بیشتری به رای صادر شده داشته و الزامات رای قابل اجرا و غیر قابل ابطال را در آن رعایت کرد. با وجود معافیت داوران در رسیدگی و رای از آئین دادرسی مستفاد از ماده ۴۷۷ ق.آ.د.م، اما لازم است یک رای داوری دارای الزامات شکلی باشد تا بتوان بر آن عنوان رای را منتسب کرد. هیچ شیوه نگارش مشخصی برای رای داوری در قانون پیش‌بینی نشده و در کل می‌توان گفت انشاء رای داوری هرگز موضوع قانون‌گذاری نبوده است. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از قوانین موجود، رویه قضایی و دکرین حقوقی الزامات شکلی رای داوری بررسی شده و شیوه به کار بردن آنها نیز ارائه شود، برخی از موارد به صورت صریح در مواد قانونی درج نشده، اما از نحوه نگارش مواد قانونی می‌توان برداشت کرد که چه مواردی را از لحاظ شکلی باید در رای داوری رعایت کرد. بیشتر بحث پیرامون داوری داخلی مطرح شده، اما از قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز در تکمیل موارد ذکر شده استفاده شده است.

کلید واژه‌ها: رای داوری، کتبی بودن، امضاء رای داوری، قانون آئین دادرسی مدنی

مقدمه:

داوری اگر چه کهن‌ترین شیوه حل و فصل اختلاف جامعه انسانی به شمار می‌رود، در جامعه امروز، از مدرن‌ترین شیوه‌ها محسوب می‌شود. عمر این نهاد دیر پا به ابتدایی‌ترین جرقه‌های مدنیت در جوامع بشری برمی‌گردد؛ پیش از آنکه دولت به وجود آید یا در جوامع بشری قانونی وضع شود یا دادگاهی تشکیل شود یا قضاات اصول حقوقی را طراحى و پایه‌ریزی کنند، داورى به عنوان راهکار حل اختلافات بین انسان‌ها وجود داشته است. (Kellor, 1948: 1) در گذر زمان، داورى به دلیل کارایی که از خود نشان داد، نه تنها از میان نرفت، بلکه هر روز بر اعتبار آن افزوده شد.

در نهاد داورى تعریف دقیق و روشنی از رای ارائه نشده و از لحاظ نوع، رای داورى تصمیمی است الزام‌آور که داور یا دیوان داورى در خصوص دعوا ارجاع شده به او، اتخاذ می‌نماید و قاطع دعوا بوده و جنبه نهایی یا قضیه امر مختومه در خصوص آن دعوا را دارد

هدف نهایی نهاد داورى، اتخاذ تصمیم داور به منظور حل اختلاف و یا در اصطلاح صدور رای داورى است؛ و داورى على القاعده با صدور رای پایان می‌پذیرد. (شمس، ۱۳۹۸ ج ۳: ۵۵۰) رای داورى آخرین و مهمترین محصول نهاد داورى به شمار می‌آید. در حقیقت تمام فرایندهای داورى از زمان تنظیم شرط داورى که ممکن است مدت‌ها پیش از بروز اختلاف به وقوع پیوسته باشد، تا تعیین داور و تشکیل

جلسات رسیدگی و ... همه در نهایت به یک نقطه ختم می‌شود و آن اتخاذ تصمیم از سوی داور است. از این رو می‌توان گفت مهم‌ترین وظیفه داور و در کل هدف از داورى، صدور رای منصفانه، عادلانه و مستدل است تا ضمن کشف حقیقت موضوع، حقوق و تکالیف طرفین اختلاف نیز مشخص شود.

در نهاد داورى تعریف دقیق و روشنى از رای ارائه نشده و از لحاظ نوع، رای داورى تصمیمی است الزام‌آور که داور یا دیوان داورى در خصوص دعوا ارجاع شده به او، اتخاذ می‌نماید و قاطع دعوا بوده و جنبه نهایی یا قضیه امر مختومه در خصوص آن دعوا را دارد. (نیکبخت، ۱۳۹۳: ۴) رای داورى باید بتواند قاطع اختلاف طرفین بوده و موضوع را به طور

نهایی حل و فصل نماید، حالا این رای می‌تواند در یک صفحه خلاصه شده و یا در چند صد صفحه نوشته شود، رای ممکن است سرشار از استنادات حقوقی بوده یا تنها شامل استدلال داور باشد؛ اما باید دقت کرد که هدف رای داورى نه نگارش رمان است و نه تدوین یک مقاله حقوقی، هدف داور باید صدور رای قابل اجرا و غیر قابل ابطال باشد. به طور معمول قضاات انتظار دارند رای داورى با هیبت خاص و شکل و شمایل احکام قضایی صادر شود، چنانچه برخی قضاات حتی استناد کلی به اصول قانونی را کافی ندانسته و معتقدند رای داورى باید با پیکره نظام حقوقی در ارتباط باشد، البته نباید شکل رای داور را هر چند حقوقدان باشد با معیارهای رای یک قاضی سنجید تا در صورت فقدان الزامات خاص آرای قضایی، چنین رای داورى را قابل ابطال دانست. اما ضرورى است برخی الزامات در انشاء رای داورى مدنظر قرار گیرد.

متن اصلی

مطابق ماده ۴۷۷ ق.آ.د.م داور در رسیدگی و صدور رای تابع مقررات آئین دادرسی نیست، اما باید در نظر داشت این معافیت به معنای کنار گذاشتن یکباره اصول آئین دادرسی نیست، به گونه‌ای که در بسیاری موارد داور باید مقررات ماهوی آئین دادرسی مدنی را رعایت کند که در غیر اینصورت مطابق همین مقررات رای او باطل شده و حتی ممکن است به مجازات‌های تعیین شده در همین قانون محکوم شود؛ از سوی دیگر غیرممکن بودن پیروی از مقررات آئین دادرسی نیز از آن مستفاد نمی‌شود، زیرا طرفین و داور می‌توانند توافق کنند که رسیدگی بر آئین دادرسی استوار باشد.

درست است که از جمله اختیارات داور این است که در سکوت قرارداد، قواعد رسیدگی (یعنی آئین داورى) را تعیین کند (یوسفزاده: ۱۳۹۸: ۲۱۰)؛ اما به شدت توصیه می‌شود داور در تعیین آئین داورى، قوانین حاکم بر داورى (قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون داورى تجارى بین‌المللی) را لحاظ کند، تا با ابطال رای مواجه نشود.

آنچه از ماده ۴۷۷ ق.آ.د.م استنباط می‌شود، بی‌نیازی داور از رعایت تشریفات آئین دادرسی است، نه همه مقررات آن؛ پس از این معافیت نمی‌توان آزادی مطلق داور در رسیدگی و انشاء رای را برداشت کرد، در نتیجه داور باید در صدور رای محدودیت‌های قانونی و اصولی را که بر سیره عقلا و عرف



داوری استوار است، رعایت کند: (یوسفزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۱) همچنین الزامات قانونی را نیز مدنظر داشته باشد.

به طور نمونه: داور الزامی به اعلام ختم رسیدگی مانند قضات ندارد، اما باید نقطه پایانی برای مذاکرات، ارائه دلایل و استماع اظهارات طرفین تعیین نموده و دقیقاً مانند محاکم پس از آن، طرح مطالب یا دلایل را از طرفین نپذیرد و گرنه ممکن است مذاکرات و مباحث بی نتیجه ادامه یافته و مهلت داورى تمام شود. از این رو توصیه شده داور مدیریت روند رسیدگی را در اختیار خود داشته و اسیر مانورهای بی پایان اصحاب دعوا نشود. (یوسفزاده، ۱۳۹۸: ۱۵۶)

در فقه، صدور رای را عملی حقوقی و نیازمند قصد انشاء و توجه به مفاد تصمیم می دانند. (خدابخشی، ۱۳۹۰: ۱۸۵) در عین حال هیچ شیوه نگارش مشخصی وجود ندارد تا داوران هنگام انشاء رای مکلف به تبعیت از آن باشند.

قوانین داخلی نیز در مورد محتوای رای داورى پیش‌بینی صریحی ندارد، اما با توجه مواد ۴۸۲ و ۴۸۹ ق.آ.د.م رای داور علاوه بر خلاصه ادعاها، جهات استحقاق و خواسته‌های طرفین و ادله آنها، باید حاوی قواعد حقوقی مبنای رای باشد، اما نباید داور را مکلف به استناد به مواد قانونی دانست. (شمس، ۱۳۹۸ ج ۳: ۵۵۴) از سوی دیگر دکتر عبدالله خدابخشی بر این نظر است که: سخن برخی اساتید که بیان می‌دارند: «باید داور را مکلف به استناد به مواد قانونی دانست» چندان به دل نمی‌نشیند و باید گفت که داور باید طوری عمل نماید که محیط بودن خود را بر قواعد حقوقی نشان دهد، هر چند این امر همیشه مستلزم استفاده از مواد قانونی نیست. (خدابخشی، ۱۳۹۹: ۳۸۳)

داوران باید توجه کنند که آرای آنها باید مطابق با الزامات حداقلی مرتبط با شکل و محتوای رای داورى که در قرارداد داورى و قواعد داورى قابل اعمال یا قانون محل داورى و عهدنامه نیوپورک مقرر شده، باشد. داور باید مراقب باشد تا از بررسی موضوعاتی که مورد درخواست طرفین نبوده یا از قلم انداختن موضوعاتی که آنها مطرح کرده‌اند، اجتناب کند، همچنین باید در مورد تمام ادعاها و ادله‌های متقابل، توضیح دهد.

لازم است رای داورى حاوی خلاصه‌ای از سابقه رسیدگی مراحل اصلی داورى باشد و در آن به جلسات مقدماتی رسیدگی، تبادل لوایح، جلسات استماع و تبادل لوایح اشاره شود. در این صورت خواننده رای می‌تواند متوجه شود داوران چگونه صلاحیت صدور رای را به دست آورده و آیا رسیدگی مطابق قرارداد طرفین و قواعد داورى قابل اعمال یا قانون محل بوده است. (Lloyd & other, 2005: 20)

رای داورى باید موضوعات نیازمند تصمیم‌گیری را با نوعی نظم منطقی و به وضوح، مشخص و بیان نماید. این موضوعات را می‌توان در لوایح طرفین یافت یا خود داوران

قوانین داخلی نیز در مورد محتوای رای داورى پیش‌بینی صریحی ندارد، اما با توجه مواد ۴۸۲ و ۴۸۹ ق.آ.د.م رای داور علاوه بر خلاصه ادعاها، جهات استحقاق و خواسته‌های طرفین و ادله آنها، باید حاوی قواعد حقوقی مبنای رای باشد

می‌توانند فهرستی را بر اساس لوایح تهیه کنند. یادداشت‌های آنسیترال نیز در موارد اداره رسیدگی‌های داورى نسخه ۲۰۱۶ داوران را تشویق به تهیه فهرستی از موضوعات مورد اختلاف بر مبنای لوایح طرفین می‌کند. رای داورى تصمیمی است که منجر به ادعاهای طرفین که مستقر به حل و فصل مستقیم یا غیر مستقیم اختلاف آنها می‌شود و بر مبنای نوعی رسیدگی شبه قضایی صادر می‌شود. (Marchisio, 2017: 12) از این رو داور باید بر اساس لوازم، انشای رای نماید و حضور فعالی در جریان دادرسی داشته باشد در غیر این صورت، رای نقض می‌شود. (خدابخشی، ۱۳۹۹: ۳۷۶)

اولین مقررات ناظر بر انشاء رای داورى در ایران برمی‌گردد به قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۸ آبان ۱۲۹۰ (برابر با ۱۹ ذی‌القرعه ۱۳۲۹ هجری قمری) که در ماده ۷۶۹ آن آمده: «حکم‌ها حکم را موافق انصاف و دلیل می‌دهند قبل از صدور حکم حکم‌ها مشاوره نموده و رای آنها به اکثریت مناظر اعتبار است» و ماده ۷۷۰ تصریح می‌کند: «در حکم باید اسم و شهرت متداعیین و حکم‌ها، موضوع منازعه و اسباب و مدرک حکم تصریح شود و به امضای حکم‌ها برسد».

در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در خصوص رای داور سکوت شده، در حالت سکوت قانونی می‌توان مفاد ماده ۲۹۶ ق.آ.د.م در مورد رای دادگاه را مدنظر قرار داد، زیرا برای آنکه رای داورى قابلیت اجرا داشته باشد در درجه اول باید دارای خصوصیات حکم دادگاه باشد. (امینی و منصوری، ۱۳۹۷: ۱۳)

«رای دادگاه پس از انشاء لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد:

۱- تاریخ صدور رأی؛

۲- مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه؛

۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین؛

۴- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی براساس آنها صادر شده است؛

۵- مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه.

با استفاده از این ماده می‌توان چنین نتیجه گرفت که رای داور باید انشاء شود. هر چند در قانون آئین دادرسی مدنی تاکیدی به مکتوب بودن رای داور نشده ولی در همین قانون به طور غیرمستقیم، اشاراتی وجود دارد که مکتوب بودن رای را مسلم می‌نماید. به عنوان نمونه ماده ۴۸۵ ق.آ.د.م در خصوص چگونگی ابلاغ رای و ماده ۴۸۷ ق.آ.د.م در خصوص تصحیح رای و ماده ۴۸۴ ق.آ.د.م که به صراحت از عبارت «در برگ رای قید شود» استفاده کرده است. از سوی دیگر لزوم مکتوب بودن رای داور به قدری بدیهی است که تردیدی در آن نشده و دلیل عدم تصریح در قانون نیز بداهت امر است. (یوسفزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۱) کتبی بودن رای، نوعی الزام بدیهی و عملی است که از بروز اختلاف در خصوص احراز محتوای تصمیم اخذ شده، جلوگیری می‌کند.

زمانی است که داوران متعدد باشند و به اتفاق رای نرسند، در چنین حالتی لازم است هم رای اکثریت و هم رای اقلیت اعلام شود، زیرا شائبه عدم حضور یک داور می‌تواند دلیلی بر ابطال رای داور باشد

همچنین مطلبی که موضوع داورى قرار گرفته نیز باید در رای درج شود. نام و مشخصات اصحاب دعوا و عندالاقضاء وکلای آنها باید در رای قید شود. رای داور باید تاریخ داشته و نام و نام خانوادگی داور(ان) در آن قید شده و به امضای داور(ان) رسیده باشد. (شمس، ۱۳۹۸، ج ۵۵۵: ۳)

ماده ۴۸۴ ق.آ.د.م چندین تکلیف را برای داوران مشخص کرده است: «داوران باید از جلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رای تشکیل می‌شود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رأی یا امضای آن امتناع نماید، رأی که با اکثریت صادر می‌شود مناط اعتبار است مگر اینکه در قرارداد ترتیب

دیگری مقرر شده باشد. مراتب نیز باید در برگ رای قید گردد».

از این ماده می‌توان چنین نتیجه گرفت که حضور داوران در جلسه داورى الزامی است. (شمس، ۱۳۹۸، ج ۳: ۵۵۲) اگر داورى در شور یا جلسات شرکت نکند، لازم است این مورد و شرح اقداماتی که برای اعلام زمان رسیدگی و شور به وی شده است در متن رای درج شود. حتی رویه قضایی نیز بر این موضوع تاکید دارد، به عنوان نمونه حکم شماره ۱۴۱۵ مورخ ۲۶ آبان ۱۳۲۶ شعبه ۶ دادگاه عمومی تهران قابل ذکر است: «اگر جلسه رسیدگی به اطلاع یکی از داورها نرسد و اکثریت داورها بدون حضور او رای دهند این رای بی‌اعتبار خواهد بود». (کامیار، ۱۳۷۶: ۱۶۱)

موضوع دیگری که به وجود می‌آید زمانی است که داوران متعدد باشند و به اتفاق رای نرسند، در چنین حالتی لازم است هم رای اکثریت و هم رای اقلیت اعلام شود، زیرا شائبه عدم حضور یک داور می‌تواند دلیلی بر ابطال رای داورى باشد. نظرات موافق یا مخالف را می‌توان به عنوان ضمیمه رای نهایی یا در متن خود رای درج نمود، اگر چه این نظرات هیچ اثر حقوقی نداشته و بخشی از رای نیز محسوب نمی‌شود. (Blachaby, 2015: 130)

اقلیت نمی‌تواند به علت بی‌تاثیر بودن، از صدور و اعلام رای امتناع کند؛ در غیر این صورت، کمترین ضمانت اجرای آن می‌تواند محرومیت از دریافت دستمزد باشد، زیرا تعهد داور رسیدگی و صدور رای است و این دو تعهد قابل تفکیک نیست. داور نمی‌تواند هم از صدور رای امتناع کند و هم بابت رسیدگی، دستمزد مطالبه نماید. حتی ممکن است ضمانت اجرای امتناع از صدور رای که در قانون آئین دادرسی مدنی تعیین شده علیه داور ممتنع اعمال شود. (یوسفزاده، ۱۳۹۸: ۲۸۴) بند ۳ ماده ۳ سند راهنمای انجمن داوران خبره نسخه سال ۲۰۱۶ Chartered Institute of Arbitrators (CIArb) (2016)) نیز در این خصوص تاکید دارد: داور می‌تواند نظر مخالف یا جداگانه‌ای را برای توضیح عدم موافقت خود یا نتیجه‌گیری یا استدلال اکثریت داوران ارائه دهد، مگر آنکه چنین اقدامی به موجب قرارداد داورى و همچنین قواعد داورى قابل اعمال یا قانون محل داورى منع شده باشد. نظر مخالف یا جداگانه باید به دقت نگاشته شود تا نشان‌دهنده هیچ‌گونه جانبداری نباشد. از مدلول ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م چنین استنباط می‌شود که رای داور باید تاریخ داشته و نام و نام خانوادگی داور(ان) در آن قید شده و به امضای داور(ان) رسیده باشد. (شمس، ۱۳۹۸: ۵۵۴) دلیل عملی آن

است که رای داور باید طوری باشد که به دعوا خاتمه دهد بنابراین لازم است از طرفی محتوای تصمیم داور بوده و از طرف دیگر کیفیت دیگری نیز در آن رعایت شود تا صدور آن از ناحیه داوران مسلم شود. (عبده، ۱۳۱۸: ۱۳۴۲)

امضای رای به معنای تایید محتوای آن است، با در نظر داشتن این نکته که صدور رای حق داور است، نمی توان داور را مجبور به قبول نظری کرد که به آن اعتقاد پیدا نکرده است. ممکن است برخی داوران به جای ارائه نظر اقلیت از امضای رای خودداری کنند تا از این طریق مخالفت خود را با تصمیم گرفته شده، اعلام کنند. در چنین شرایطی مطابق ماده ۴۸۴ ق.آ.د.م و تبصره ماده ۴۷۴ ق.آ.د.م امضای رای توسط اکثریت کافی خواهد بود. از نگاه این ماده «مراتب باید در برگ رای قید گردد» همچنین اکثر قوانین ملی یا قواعد داوری هم تاکید بسیار خوبی دارند که لازم است دلیل عدم امضای سایر داوران در رای ذکر شود.

در قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، استثنائی برای این امر در نظر گرفته شده: «مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد». با ذکر این عبارت در ادامه ماده ۴۸۴ و تبصره ماده ۴۷۴ ق.آ.د.م قانون گذار مشخص کرده که اگر طرفین بر لزوم صدور رای توسط همه داوران توافق کرده باشند، عدم امضای رای توسط یک داور، نه تنها نشان دهنده مخالفت آن داور با رای صادره خواهد بود، بلکه ممکن است رای داوری را از اعتبار بیندازد.

در حوزه داوری بین المللی نیز صدور رای با امضاء آن محقق می شود؛ بند ۱ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری بین المللی فوق الذکر و بند ۴ ماده ۳۲ قواعد انسیترال و بند ۱ ماده ۲۸ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین المللی تصریح به این دارد که رای باید به امضای داور یا داوران برسد. در موردی که داور بیش از یک نفر باشد امضای اکثریت کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای دیگر اعضا ذکر شود.

با سکوت قانون گذار در خصوص مکان امضا رای توسط داوران می توان به عرف بین المللی مراجعه کرد که طی آن داوران ملزم به امضای رای در محل و زمان واحد نیستند مگر آنکه قواعد داوری قابل اعمال یا قانون محل داوری حاوی مقرر دیگری باشد.

بند ۱ ماده ۲۰ قانون داوری تجاری بین المللی در مورد محل داوری چنین مقرر کرده: «داوری در محل مورد توافق طرفین انجام می شود. در صورت عدم توافق، محل داوری با توجه به اوضاع و احوال دعوا و سهولت دسترسی طرفین،

توسط داور تعیین می شود».

توصیه می شود داوران در عمل مقررات آئین دادرسی مدنی راجع به حکم را در نظر گرفته و نکاتی که معمولاً در حکم درج می شود را در رای داوری بیاورند.

با تلفیق مواد مربوط به مندرجات حکم دادگاه و اصول داوری می توان گفت که رای داور باید حاوی نکات زیر باشد:

۱- اسم داورها و حضور آنها در جلسات

۲- اسامی و محل اقامت و کار طرفین

۳- اظهارات و مدافعات هر یک

۴- مدارک رای

۵- شرح قضیه

۶- تصمیم داور

۷- امضای داوران

۸- تاریخ آن (عبده، ۱۳۱۸: ۱۳۴۲)

در خصوص درج تاریخ در رای داوری ذکر این نکته لازم است که این تاریخ مشخص کننده آن است که رای داوری در مهلت زمانی مقرر قانونی یا قراردادی صادر شده است و با توجه به لزوم صدور رای در مدت داوری و ضمانت اجرای باطل بودن برای رای خارج از مدت داوری (مطابق ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م) درج این تاریخ از اهمیت بالایی برخوردار است.

با سکوت قانون گذار در خصوص مکان امضا رای توسط داوران می توان به عرف بین المللی مراجعه کرد که طی آن داوران ملزم به امضای رای در محل و زمان واحد نیستند مگر آنکه قواعد داوری قابل اعمال یا قانون محل داوری حاوی مقرر دیگری باشد

در خصوص مدت داوری، اولویت با زمانی است که مورد توافق طرفین قرار گرفته است، مطابق تبصره ماده ۴۸۴ ق.آ.د.م «اگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن سه ماه و ابتدای آن از روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می شود. این مدت با توافق قابل تعدیل است».

البته داوران باید دقت داشته باشند ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م رعایت مدت داوری را برای صدور و تسلیم (یا ابلاغ) رای لازم دانسته، پس نمی توان ذکر تاریخ صدور به تنهایی را دلیلی بر رعایت این ماده دانست، بلکه برای جلوگیری از ابطال

آنچه در رای داورى اهمیت دارد تعیین تکلیف اختلاف مطروحه به طور دقیق و جزئى، استدلال مشخص و هماهنگ با منطق اثبات قضایى یا استناد به قاعده حقوقى معتبر و اظهار نظر قاطع و غیر مشروط در باب دعوا است

رای، لازم است در مدت داورى نسبت به ابلاغ رای نیز اقدام نمود.

اهمیت توجه به تاریخ و مهلت داورى تا آنجاست که نه تنها صدور رای خارج از مهلت سبب ابطال رای دانسته شده بلکه دادگاه حق ندارد بر روی آن اجرائیه صادر کند و در صورت صدور اجرائیه باید آنرا باطل نماید. طبق نظر کمیسیون نشست قضایى «با توجه به مقررات ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسى دادگاههای عمومى و انقلاب در امور مدنى چنانچه رای داورى پس از انقضای مدت داورى صادر و تسلیم شده باشد آن رای اساساً باطل بوده و قابلیت اجرائى ندارد. با این ترتیب هر گاه از دادگاه تقاضای ابلاغ و متعاقباً اجرائى رای داورى شده باشد و دادگاه بدون بررسی در مورد رای داور که خارج از مهلت صادر شده، اجرائیه صادر کرده باشد، مطابق ماده ۱۱ قانون اجرائى احکام مدنى مصوب ۱۳۵۶ به لحاظ اینکه در صدور اجرائیه اشتباه شده دادگاه راساً و یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد اجرائیه را باید ابطال نماید». (پیشینه رویه قضایى در ایران در ارتباط با آیین دادرسى مدنى، ۱۳۹۷: ۲۲-۳۳)

بند ۳ ماده ۳۰ قانون داورى تجارى بین المللى حاوى تاریخ و محل صدور بودن را از الزامات شکلى رای داورى قلمداد کرده است. در خصوص لزوم ذکر محل صدور رای باید متذکر شد این موضوع در داورى بین المللى که مقر محل داورى در بررسی و ماهیت رای داورى تأثیر گذار است دارای اهمیت است و در رای داورى داخلی، درج یا عدم درج آن موضوعیت نخواهد داشت.

نکته مهم دیگر وجود استدلال در رای داور است، داور باید به گونه‌ای رای صادر کند که برای فهم علت آن نیازی به حضور و توضیحات خودش نباشد و هر کس رای را بخواند، متوجه شود که مقدمات، مبانی و محتوای آن چیست. از مدلول ماده ۴۸۲ ق.ا.د.م می‌توان نتیجه گرفت مقدماتی که برای روشن شدن استدلال داور لازم است، نیز باید در رای داورى ذکر شود.

از سوى دیگر قانون معیار قضاوت است. اتکا رای داور به قانون در نظام داورى ملی یک قاعده است و داور نمى‌تواند بر اساس عرف عمومى جامعه، یک شهر یا روستا، قشـر یا طبقه‌ای خاص رای صادر کند. البته شکی نیست که عرف‌ها در جای خود، به طور غیر مستقیم، در رای قاضى یا داور تأثیر مى‌گذارند ولی این تأثیر تا حدی است که با قانون مغایرت نداشته باشد. (یوسفزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۲)

علاوه بر موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت، آنچه در رای داورى اهمیت دارد تعیین تکلیف اختلاف مطروحه به طور دقیق و جزئى، استدلال مشخص و هماهنگ با منطق اثبات قضایى یا استناد به قاعده حقوقى معتبر و اظهار نظر قاطع و غیر مشروط در باب دعوا است.

در بحث داورى بین المللى ماده ۳۰ قانون داورى تجارى بین المللى در خصوص شکل و محتوای رای موارد لازم را مشخص کرده است، مواد این ماده نیز شباهت زیادی با الزامات شکلى رای داورى داخلی دارد و تنها این نکته را اضافه کرده که در صورت توافق طرفین در این قبیل داورى‌ها، داور الزامی به ذکر دلایل ندارد.

ماده ۴ سند راهنمای انجمن داوران خبره (CIArb) در مورد شکل و محتوای رای داورى مواردی را ذکر کرده که می‌تواند راهنمای خوبی برای داوران باشد:

«۱- داوران مکلفند هر گونه الزام مقرر در قرارداد داورى و همچنین قواعد داورى قابل اعمال یا قانون محل داورى را در مورد شکل و محتوای رای داورى رعایت کنند. در هر صورت، رعایت موارد زیر در مورد شکل رای الزامی است:

الف- رای داورى باید کتبى باشد؛

ب- رای داورى باید مدلل باشد مگر آنکه طرفین به شکل دیگری توافق کرده باشند یا رای سازشى صادر شود؛

پ- رای داورى باید حاوى تاریخ و ذکر محل داورى باشد؛

ت- رای داورى باید به امضای همه داوران برسد یا علت عدم امضای هر یک از اعضا ذکر شود؛

۲- محتوای رای داورى باید حاوى عناصر ضرورى زیر نیز باشد:

الف- نام و آدرس طرفین اختلاف و نمایندگان آنها و داوران؛

ب- متن قرارداد داورى منعقدہ میان طرفین اختلاف؛

پ- خلاصه‌ای از وقایع و جریان امور از جمله نحوه بروز اختلاف؛

وقایع و جریان امور از جمله نحوه بروز اختلاف، خلاصه‌ای از موضوعات اختلاف و مواضع طرفین، تجزیه و تحلیل یافته‌های داوران در مورد وقایع و نیز اعمال قانون نسبت به وقایع مزبور و بخش اجرایی حاوی تصمیم داور نیز در رای درج شود.

ت- خلاصه‌ای از موضوعات اختلاف و مواضع طرفین؛
ث- تجزیه و تحلیل یافته‌های داوران در مورد وقایع و نیز اعمال قانون نسبت به وقایع مزبور؛
ج- بخش اجرایی حاوی تصمیم.

گرچه الزامی ندارد داوران از آئین دادرسی و ساختار نگارشی آرای قضایی تبعیت کرده و به قابل اعتراض بودن ظرف ۲۰ روز اشاره کنند ولی مناسب است داوران در انتهای رای خود عبارت «قطعی و لازم الاجرا بودن رای داور» را بگنجانند، هر چند ذکر این عبارت هم الزامی نیست.

مورد دیگری که شاید ربطی به انشاء رای داور نداشته باشد، اما از الزامات شکلی داور به شمار می‌رود، تشکیل پرونده توسط داور است، که هدف از آن نگهداری اسناد، صورت‌جلسات و کلیه اوراق مربوطه به دعوا و مکاتبات مختلف است؛ در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکمی در این خصوص وجود ندارد؛ اما هنگامی که ماده ۴۷۶ تأکید می‌کند: «طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند» این حق طرفین است که اسنادی را که به داور می‌دهند و صورت مذاکراتی که در پیش داور انجام می‌گیرد، محفوظ بمانند و قابل دسترسی و عندالزوم قابل استناد باشند. بنابراین داور مکلف است همه آنچه را که به دعوا ارتباط دارد محفوظ نگه دارد. (یوسف‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۵۴)

تشکیل پرونده برای خود داور نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا در زمان انشاء رای می‌تواند تمام مدارک، مستندات، لوابح و صحبت‌های طرفین در جلسات رسیدگی را همزمان با هم بررسی و تحلیل کرده و به تصمیمی درست‌تر برسد.

نتیجه‌گیری

از موارد گفته شده می‌توان نتیجه گرفت، اگر چه ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، داوران را در رسیدگی و رای، از رعایت آئین دادرسی معاف کرده، اما با توجه به اینکه داوران را موظف به رعایت قوانین و مقررات مربوط به داور دانسته، لذا لازم است داوران در نگارش رای خود مواردی از جمله کتب بودن، نشان دادن حضور فعال داور در روند داور، حضور در جلسات داور، امضاء رای داور، تاریخ صدور رای، مشخصات طرفین دعوا و داوران را درج نموده و رای را به صورتی روشن انشاء نمایند که هم قابل اجرا بوده و هم امکان ابطال آن به حداقل برسد. همچنین لازم است متن قرارداد داور منعقد میان طرفین اختلاف، خلاصه‌ای از

- ♦ امینی، عیسی؛ منصوری، عباس (۱۳۹۷)- موجه و مدلل بودن رای داور داخلی با نگاهی به رویه قضایی- نشریه پژوهش حقوق خصوصی- شماره ۲۲
- ♦ پیشینه رویه قضایی در ایران در ارتباط با آیین دادرسی مدنی (۱۳۹۷)- چاپ ۳- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه
- ♦ خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۰)- مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی- جلد اول- شرکت سهامی انتشار
- ♦ خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۹)- حقوق داور و دعوی مربوط به آن در رویه قضایی- چاپ هفتم- شرکت سهامی انتشار
- ♦ شمس، عبدالله (۱۳۹۸)- آئین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته- جلد سوم- چاپ ۳۲- دراک
- ♦ عبده، جلال (۱۳۱۸)- بحث در موضوعات حقوقی: رای داور- نشریه مجموعه حقوقی- شماره ۱۳۵- ۵ دی‌ماه ۱۳۱۸- صص ۱۳۴۱- ۱۳۴۴
- ♦ کامیار (کارکن)، محمدرضا (۱۳۷۶)- گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی- چاپ ۱- انتشارات حقوقدان
- ♦ نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۹۳)- شناسایی و اجرای آرای داوران در ایران- چاپ ۲- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- ♦ یوسف‌زاده، مرتضی (۱۳۹۸)- آئین داور- چاپ ۳- شرکت سهامی انتشار

- ♦ Blachaby, Nigel & other (2015)- Redfern and Hunter on International Arbitration- OUP
- ♦ Kellor, F. (1948)- American Arbitration, It's History- Functions and Achievements
- ♦ Lloyd, Humphrey & other (2005)- Drafting Awards in ICC Arbitration- ICC Bulletin
- ♦ Marchisio, Giacomo (2017)- The Notion of Award in International Commercial Arbitration- Kluwer Law International